

مدلسازی عوامل مدیریتی مؤثر در الگوی مقررات گذاری و نظارت بر

صندوق های بیمه اجتماعی کشور

محمد هاشم بت شکن^{۱*}، محمد علی دهقان دهنوی^۲، محمد جواد محقق نیا^۳،

حسین اصلی پور^۳، سید محمد عباس نیا^۴

^۱ دانشیار، گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۴ دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: محمد هاشم بت شکن

mh.botshekan@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: در راستای دستیابی به اهداف تأمین اجتماعی و نظام سلامت، ارتقای سطح کارآمدی صندوق های بیمه اجتماعی ضرورت دارد. بدین منظور چالش های بهبود تنظیم گری در این صندوق ها لازم است تعیین و مرتفع گردند. از این رو هدف مطالعه حاضر شناسایی چالش های کلیدی تنظیم گری و مدلسازی شبکه عوامل مؤثر مدیریتی بر آن بود.

روش پژوهش: این پژوهش یک تحقیق آمیخته با تقدم بخش کیفی است که در بخش کیفی از روش مرور سیستماتیک و تحلیل مضمون با نرم افزار MaxQDA 10 و در بخش کمی از روش مدلسازی ساختاری- تفسیری و تحلیل میک بهره گرفته شد. گردآوری داده ها در بخش کیفی از طریق مرور اسناد و پژوهش های مرتبط و در بخش کمی از طریق مراجعه به خبرگان منتخب با روش نمونه گیری هدفمند از طریق ابزار پرسشنامه انجام شده و ۱۴ نفر از خبرگان حوزه بیمه های اجتماعی مورد نظرسنجی قرار گرفته اند.

یافته ها: ۹ عامل به عنوان چالش کلیدی در تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی شناسایی شده اند که عبارتند از: ۱- عدم ثبات مدیریتی؛ ۲- عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی؛ ۳- تعدد صندوق های بیمه ای؛ ۴- گسیختگی در سازماندهی صندوق ها؛ ۵- عدم جامعیت قوانین و مقررات؛ ۶- ضعف مقام تنظیم گری؛ ۷- ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی؛ ۸- ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور؛ ۹- پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی. که با روش مدلسازی ساختاری- تفسیری شبکه مضامین در یک مدل ۴ سطحی ترسیم شد.

نتیجه گیری: چالش های تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور، ترکیبی از عواملی است که نیاز به شکل گیری رگولاتور واحد را جهت ساماندهی این صندوق ها نشان می دهد تا ضمن اصلاح ساختار مقررات گذاری و نظارت، بتواند با رویکردی جامع، بیطرف و تخصصی، متولی رفع چالش های کلیدی در لایه های ۴ گانه ای احصا شده در مدل حاصل از این پژوهش شود.

واژه های کلیدی: مقررات گذاری دولت، بازنشتگی، بیمه اجتماعی، عوامل اقتصاد اجتماعی

کاربرد مدیریتی: مؤثر بودن در انتخاب اولویت های راهبردی اصلاح صندوق های بیمه اجتماعی کشور

توسط سیاستگذاران و مدیران کلان حوزه تأمین اجتماعی

ارجاع: بت شکن محمد هاشم، دهقان دهنوی محمد علی، محقق نیا محمد جواد، اصلی پور حسین، عباس نیا سید محمد. مدلسازی عوامل مدیریتی مؤثر در الگوی مقررات گذاری و نظارت بر صندوق های بیمه اجتماعی کشور. راهبردهای مدیریت در نظام سلامت ۱۳۹۸؛ ۴(۲): ۹۷-۱۱۳.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

تاریخ اصلاح نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

مقدمه

تأمین اجتماعی به عنوان محور کلیدی سیاست های اجتماعی و یکی از مهمترین ابزارهای دولت ها برای مبارزه با فقر و رفع نابرابری ها در جامعه، پس از ظهور در کشورهای توسعه یافته و تسری آن به سایر کشورهای جهان، همچنان در حال استمرار مسیر تکاملی خود، متأثر از تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان است (۱).

در زمان صدارت بیسمارک در آلمان (۱۳۸۱)، برای نخستین بار قانون بیمه های اجتماعی به تصویب رسید و چند سال بعد اولین نظام بیمه های اجتماعی در آلمان پایه گذاری شد و به سرعت به دیگر کشورهای صنعتی اروپا تسری پیدا کرد تا اینکه در سال ۱۹۴۸ و در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوقی بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد این جمله گنجانده شد: «همه افراد به عنوان عضو جامعه، حق برخورداری از تأمین اجتماعی را دارند» و تأمین اجتماعی به عنوان یک حق بشری مطرح گردید (۱). همچنین تأمین اجتماعی علاوه بر تأمین نیازهای اساسی دوران بازنشستگی، می تواند موجب کاهش نابرابری درآمدی و فقر، مدیریت مخاطرات ناشی از بیماری، بیکاری و سالمندی و غیره، مدیریت مخاطرات اساسی، رشد اشتغال و کمک به توسعه اقتصادی گردد. این نهاد در درون خود راهبرد «بیمه های بازنشستگی» و «بیمه های سلامت» را به عنوان ۲ جزء لاینفک دارد (۲).

در ایران نیز نظام تأمین اجتماعی نظام گسترده ای است که در سازمان ها و صندوق های متعددی وظیفه ارائه خدمات اجتماعی را بر عهده دارند و به جهت تکالیفی که اصل ۲۹ قانون اساسی بر دوش دولت گذارده است، اهمیتی مضاعف می یابد و به موجب این اصل، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند. لذا همانگونه که مشاهده می شود، حقوق تأمین اجتماعی یکی از حقوق قهری عام و فراگیر و از حقوق طبیعی شناخته شده در قانون اساسی است که شامل مرور زمان نیز نخواهد شد (۳). موضوع قانون تأمین اجتماعی

مصوب ۱۳۵۴ نیز حسب ماده «۳» شامل الف: حوادث و بیماری ها، ب: بارداری، ج: غرامت دستمزد، د: از کارافتادگی، ه: بازنشستگی، و: مرگ می باشد. انجام تعهدات ناشی از ماده «۳» قانون حسب قانون الزام سازمان در بند الف و ب به عهده بخش درمان سازمان و تعهدات بندهای ج، د، ه و به عهده بخش بیمه ای سازمان می باشد (۴).

صندوق های بیمه اجتماعی امروزه مناسب ترین گزینه ای است که به عنوان نهاد واسطه عملیاتی کردن اهداف تأمین اجتماعی، از طریق بیمه بازنشستگی و بیمه درمانی، با ماهیتی مستقل، منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق مشارکت عمومی افراد تأمین و نیاز این افراد را در زمان بیماری مرتفع می سازد (۵، ۶). در شرایطی که رشد روزافزون هزینه های نظام سلامت در سراسر دنیا به یکی از دغدغه های اصلی مدیران و تصمیم گیران نظام های سلامت و متولیان تأمین اجتماعی تبدیل شده است (۷)؛ بیمه های اجتماعی که شامل محدوده وسیعی از برنامه های بیمه ای است، جایگاه بسیار پررنگی را در نظام مراقبت های بهداشتی کشورها دارد و عاملی مهم در گسترش و برقراری عدالت اجتماعی هستند (۸، ۹).

صندوق ها و سازمان های بیمه گر، در کنار ۲ بعد بیمار و ارائه دهنده گان خدمات سلامت، مثلث نظام مراقبت بهداشتی را شکل می دهند (۱۰). لذا بهبود عملکرد این صندوق ها می تواند بر ارتقای سطح خدمات نظام مراقبت بهداشتی مؤثر واقع گردد. لذا با توجه به تأثیر ویژه ای که خط مشی ها و سیاست گذاری در صندوق های بیمه اجتماعی بر رفاة اجتماعی و به طور خاص بر نظام سلامت دارد، موضوع تنظیم گری (regulation) صندوق های بیمه اجتماعی به یکی از موضوعات اصلی بحث در نظام رفاهی کشورها تبدیل شده است. تنظیم گری به مفهوم مقررات گذاری و نه دخالت، یکی از کارکردهای اصلی نظام حکمرانی نوین بوده که در کنار سایر کارکردها مانند سیاست گذاری، باز توزیع، تسهیل گری و نیز کارکرد سنتی ارائه کالا و خدمات، چارچوب کلان نظام حکمرانی مدرن را شکل می دهد (۱۱).

در واقع، تنظیم گری عبارت است از مجموعه ای از مداخلات حاکمیتی توسط نهاد تنظیم گر با استفاده از ابزار حقوقی، قانونی و اقتصادی و با هدف تحقق اهداف اقتصادی یا اجتماعی توسط بخش دولتی و غیردولتی و تضمین

منفعت عمومی. امروزه مقررات گذاری علاوه بر یک روش حکمرانی، به عنوان هنر حکومت، واقعیتی نهادی و همچنین به عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل مورد توجه قرار می گیرد و حتی در حال تبدیل شدن به یک گفتمان عمومی در حوزه های پیش گفته می باشد (۱۲، ۱۳). تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی از نقطه نظرات مختلفی مانند تنظیم رفتار بازار، مقررات گذاری احتیاطی، مقررات گذاری شفافیت یا اطلاعات و غیره قابل بررسی است (۱۴).

مطالعه مقدماتی شرایط نظام بیمه ای کشور ایران نشان از آن دارد که نظام بیمه ای با مشکلات عدیده ای به ویژه در بخش تنظیم گری روبرو است (۸). عدم ۳ جانبه گرایی واقعی، عدم انسجام نظام تصمیم گیری، نادیده گرفته شدن موضوع نظارت و پاسخگویی را می توان از جمله تعارضات و ایرادات این حوزه دانست. عدم تصویب قانون اهداف و وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بعد از گذشت ۷ سال از تشکیل آن، عدم تصویب اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی پس از ایراد هیئت تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ و مواردی از این قبیل گواهی بر مدعای وجود چالش در بخش تنظیم گری بیمه های اجتماعی است (۳). همچنین بعد از گذشت سال ها از سیاست توسعه بیمه اجتماعی درمان در ایران، نظام تأمین مالی و مراقبت های درمانی از طریق نقش بیمه های اجتماعی درمان نتوانسته است ترکیب تأمین مالی و ارائه مراقبت ها برای بیمه شدگان را در قالب محصولی واحد امکان پذیر کند (۶).

گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶) تصریح می کند که سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین صندوق از نظر تعداد مشترکان در بیمه های اجتماعی و درمانی، با پوششی قریب به ۴۲ میلیون نفر در آینده نزدیک با بحران های جدی مواجه خواهد شد که می تواند زمینه ناآرامی های اقتصادی و اجتماعی گسترده ای را در کشور پدید آورد و اگرچه هیچ راهکار فوری و سریعی برای حل مشکلات آن وجود ندارد اما نیاز به اقدام فوری در مواردی چون اصلاح در مدیریت و کارکرد سازمان تأمین اجتماعی، پرهیز دولت از دخالت در امور صندوق، تعیین تکلیف بخش درمان، شفاف سازی، اجتناب از تصویب قوانین مغایر با اصول بیمه ای و تعهدآور می باشد (۳).

منوچهری راد (۱۳۹۶) در مطالعه فرموله کردن خط مشی نهادسازی در حوزه تنظیم گری قوانین سازمان های بیمه گر

اجتماعی، به این نتیجه رسیده است که باتوجه به مسئله ی بروز چالش ها و مخاطرات به ویژه در حوزه پایداری مالی نظام بازنشستگی ایران، نیاز به ایجاد نهاد تنظیم گر (رگولاتور) وجود دارد (۲). همچنین مهرالحسنی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه مروری بر سیاست های تأمین مالی در مسیر دستیابی به پوشش همگانی سلامت در ایران نشان دادند در حوزه تأمین مالی نظام سلامت کشور، خلاء قانونی و سیاستی عمده ای وجود ندارد. مشکل عمده در روش اجرا، نظارت و تعهد به قوانین می باشد که چالش های اساسی در ارتباط با حفاظت مالی ایجاد کرده است (۱۵).

در بررسی پیشینه تحقیقات صورت گرفته ۲ دسته مطالعه وجود دارد: مطالعاتی که صرفاً به موضوع بیمه های درمان و سلامت از حیث ابعادی همچون تحلیل جایگاه آن ها در نظام تأمین اجتماعی، اصول، ساختار و پوشش و نیز مقایسه تطبیقی در کشورهای منتخب پرداخته اند و مطالعاتی که در آن صرفاً موضوع تنظیم گری به عنوان یک ضرورت در حکمرانی و یا در سایر بخش های اجتماعی و اقتصادی بررسی شده است (۲، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۶). اما پژوهشی که به طور مشخص عوامل مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور را مطالعه کرده باشد، یافت نشد. حال با توجه به اهمیت شناخت مسائل مربوط به تنظیم گری صندوق های بیمه ای اجتماعی و یافتن راهبردهای بهبود فرآیند مقررات گذاری و نظارت در این صندوق ها، هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل مدیریتی مؤثر بر الگوی تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور با توجه به تعهدات آن ها بر حمایت های درمانی بوده و علاوه بر آن با رهیافت مدلسازی ساختاری-تفسیری بتواند سطوح ارتباطی این عوامل را نیز از طریق استخراج شبکه مضامین، تبیین و بهره گیری از تحلیل میک مک قدرت اثرگذاری و اثرپذیری هر یک از این عوامل را مشخص نماید. بر این مبنا سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱- مضامین پایه و سازمان دهنده عوامل مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور در بخش سلامت چیست؟ ۲- شبکه مضامین عوامل مؤثر مدیریتی بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور در بخش سلامت چه الگویی دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از جهت نتایج و هدف یک تحقیق

کاربردی- اکتشافی، از نظر فرآیند اجرا در زمره تحقیقات آمیخته با تقدم بخش کیفی محسوب می شود و استراتژی اصلی آن کثرت گرایی روش شناختی با بهره گیری از ۲ استراتژی است. به این صورت که جهت پاسخ به سؤال اول تحقیق، ابتدا در بخش کیفی با استفاده از روش مطالعه مروری نظام مند، گزاره های مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور استخراج و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون و با نرم افزار MaxQDA 10 عوامل کلیدی تعیین و کدگذاری شدند. سپس برای پاسخ سؤال دوم از روش کمی استفاده شد و با استفاده از مدل سازی ساختاری- تفسیری (Interpretive Structural Modelling (ISM))، روابط بین این عوامل به صورت شبکه مضامین مدلسازی و با بهره گیری از تحلیل میک مک (MICMAC) میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر شناسایی گردید. الگوی استخراج شده نیز از حیث هدف، یک الگوی توصیفی است که برای تشریح وضعیت عوامل مدیریتی مؤثر بر مقررات گذاری و نظارت صندوق های بیمه اجتماعی استفاده می شود و از جهت میزان انتزاع، یک الگوی شماتیک به حساب می آید.

الف) مرحله کیفی پژوهش

در این مرحله پایگاه های علمی و سازمانی داخلی و خارجی در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۷، مورد جستجو قرار گرفتند. پایگاه های علمی بین المللی جستجو شده شامل Emerald، ProQuest و Google Scholar و پایگاه های علمی داخلی شامل پایگاه های SID و Irandoc بود. در بخش پایگاه های سازمانی خارجی نیز پایگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی و نیز سازمان بین المللی نظارت بر صندوق های بازنشستگی و در سازمان های داخلی پایگاه وزارت بهداشت، سازمان تأمین اجتماعی، مؤسسه تحقیقات بازنشستگی صندوق بازنشستگی کشوری (صبا) و مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی جستجو گردید.

کلیدواژه های «بیمه اجتماعی»، «صندوق های بازنشستگی»، «بیمه درمان»، «تنظیم گری» و «تأمین اجتماعی» و معادل لاتین آن ها شامل «Social insurance»، «Pension funds»، «Health insurance»، «Regulation» و «Social security» در پایگاه های ذکر شده جستجو شد. بین واژگان بیمه اجتماعی، تأمین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی از عملگر OR و

بین این واژگان و کلیدواژه تنظیم گری از عملگر AND استفاده شد. در این جستجو با توجه به اینکه در مطالعات تنظیم گری ۳ عبارت regulatory، regulator و regulation و regulator کاربرد دارد، جهت تدقیق جستجو ها عملگر OR بین آن ها مورد استفاده قرار گرفت. در پایگاه های داخلی نیز عبارات «نهاد ناظر» و «مقام ناظر» به عنوان مفاهیم متناظر با تنظیم گر در جستجو ها با عملگر OR جستجو شد. همچنین جهت اطمینان از کفایت نظری، منابع و مأخذ استفاده شده بر اساس سطح ارتباط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

پژوهش های استخراج شده پس از غربالگری بر اساس عنوان و چکیده، به صورت هدفمند به ۲ بخش تقسیم شدند، مواردی که قابلیت استفاده در بخش مطالعات نظری و مبنایی تحقیق را دارا بودند و پژوهش هایی که می توانستند به عنوان ورودی جهت کدگذاری در تحلیل مضمون انتخاب شوند. معیار ورود اصلی مقالات به بخش تحلیل مضمون آن بود که به جهت تأمین هدف بومی بودن الگوی نتایج و کاربردی بودن آن برای سیاست گذاری کلان در حوزه تأمین اجتماعی، چالش ها و مسائل مرتبط با مقررات گذاری و نظارت بر صندوق های بیمه اجتماعی در حوزه جغرافیایی ایران را بررسی کرده باشند. با اعمال این محدودیت از بین پژوهش های استخراج شده، ۸ پژوهش که بیشترین ارتباط را با موضوع تحقیق داشتند جهت ورود به عنوان متن قابل کدگذاری به مرحله تحلیل مضمون و نرم افزار MaxQDA 10 انتخاب شدند. همچنین در ۱ مورد با توجه به اینکه متن کامل پژوهش در تاریخ اجرای این مطالعه هنوز توسط پایگاه اطلاعات مربوطه منتشر نشده بود، به منظور کسب اطلاعات بیشتر با یکی از نویسندگان تماس حاصل شد و اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردید.

روش تحلیل مضمون: روش «تحلیل مضمون» به عنوان یکی از روش های متعارف و کاملاً نظام مند در تحلیل داده های کیفی به ویژه داده های متنی مورد استفاده قرار می گیرد (۱۷). این روش برای شناسایی، تحلیل و گزارش تم های موجود در داخل متن انتخاب شد. در اجرای آن، ابتدا متن ها چندین بار با هدف غوطه وری داده ها خوانده و گزاره های کلیدی تقطیع شد. مرحله اول با حذف مشابهت ها، ۱۱۷ کد اولیه با نرم افزار MaxQDA 10 استخراج شد. سپس برای استخراج مضامین پایه، محققان کدها و مفاهیمی که

همبستگی میان پاسخ ها نشان دهنده ۸۱ درصد همبستگی میان پاسخ ها بود، که این عدد مؤید پایایی پرسشنامه است. از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف برای انتخاب شرکت کنندگان استفاده گردید و با توجه به اینکه تعداد خبرگان شرکت کننده در روش مدلسازی ساختاری-تفسیری معمولاً بین ۱۳ تا ۲۰ نفر انتخاب می شوند (۲۰)، ۱۵ نفر به صورت هدفمند انتخاب و بین آن ها پرسشنامه توزیع گردید که در نهایت پس از پیگیری های لازم ۱۴ پرسشنامه ارجاع شد و مبنای این پژوهش قرار گرفت. برای مشارکت افرادی که شناخت بیشتری از تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی دارند، سابقه ای حداقل ۲ سال مدیریت در یکی از صندوق های بیمه اجتماعی جهت خبرگان اجرایی و انتشار حداقل ۲ اثر علمی به صورت کتاب یا مقاله جهت خبرگان دانشگاهی، ملاک انتخاب قرار گرفت. بر این اساس مشخصات نمونه آماری در مرحله کمی پژوهش عبارت است از رؤسا و معاونان صندوق های بیمه اجتماعی (۲ نفر)؛ مدیران میانی صندوق های بیمه اجتماعی (۶ نفر)؛ کارشناسان و کارشناسان ارشد صندوق های بیمه اجتماعی (۴ نفر) و خبرگان دانشگاهی (۳ نفر).

در خصوص ملاحظات اخلاقی، افراد جهت شرکت در مطالعه آزاد بودند، توضیحات روشن در مورد اهداف مطالعه به طور شفاهی به آن ها داده شد و پس از رضایت آگاهانه ایشان، پرسشنامه به صورت حضوری ارائه و تکمیل گردید. همچنین با توجه به حساسیت موضوع به افراد پاسخ دهنده اطمینان داده شد که اطلاعات دریافتی بدون ذکر نام آنان، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

روش مدلسازی ساختاری-تفسیری در ۵ مرحله به شرح زیر اجرا گردید.

مرحله نخست- تعیین ابعاد/عناصر: ISM با شناسایی متغیرها یا مضامینی شروع می شود که مربوط به مسأله یا موضوع می باشند. این متغیرها از طریق مطالعه ادبیات موضوع یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می آید.

مرحله دوم- به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری ((Structural Self-Interaction Matrix (SSIM): این ماتریس، یک ماتریس به ابعاد عناصر می باشد که این عناصر در سطر و ستون اول آن، به ترتیب ذکر می شوند. آنگاه روابط ۲ به ۲ متغیرها توسط نمادهایی مشخص می شوند. برای تعیین روابط بین عناصر از یک طیف ۴ تایی (به صورت ۳:

بیشترین قرابت معنایی را نسبت به هم داشتند کنار هم قرار داده و به خلق معنا و عبارات جدید پرداختند و سرانجام ۴۰ مضمون پایه حاصل گردید. در گام بعدی مضامین پایه به دست آمده در قالب ۹ مضمون سازمان دهنده قرار داده شدند. جدول ۱ نمونه ای از استخراج مفاهیم و دستیابی به مضامین از داده های متنی را نشان می دهد. همچنین در خصوص سنجش اعتبار و یا ارزیابی کیفیت مضامین استخراج شده به کمک روش تحلیل مضمون، اقداماتی توسط پژوهشگران صورت گرفت. بدین منظور برای افزایش قوام و صحت نتایج مطالعه، از معیارهایی که توسط گوبا و لینکولن (۱۹۸۲) پیشنهاد گردیده است (۱۸) به شرح زیر استفاده شد:

- مقبولیت و تأیید پذیری: برای این مورد از درگیری طولانی مدت و بازبینی توسط همکاران و شرکت کنندگان و استفاده از نظرات متخصصین و افراد صاحب نظر استفاده شد.
- قابلیت وابستگی: برای این مورد نیز از ۲ نفر برای کدگذاری استفاده شد.
- قابلیت انتقال: برای این مورد از نظرات صاحب نظران و افراد خبره و همچنین نمونه گیری مبتنی بر هدف استفاده گردید.

ب) مرحله ی کمی پژوهش

مدلسازی ساختاری-تفسیری (ISM): این روش در واقع کاربردی سیستمی از نشانه گذاری نظریه گراف ها برای ایجاد و فهم روابط میان عناصر یک سیستم پیچیده به کار می رود (۱۹). مدلسازی ساختاری-تفسیری یک مدل تفسیری است زیرا این قضاوت گروه است که تعیین می کند کدام یک از عناصر با هم رابطه دارند و اینکه چه رابطه ای دارند. در این مرحله با استفاده از مضامین حاصله در مرحله تحلیل مضمون، پرسشنامه ای از نوع ساختاریافته شامل ۹ مؤلفه طراحی گردید به این صورت که خبرگان منتخب بایستی اثرگذاری هر یک از عوامل را بر سایر عوامل با اعداد ۰، ۱، ۲ و ۳ مشخص می کردند. عدد ۰ بیانگر کمترین اثرگذاری و عدد ۳ بیانگر بیشترین اثرگذاری بود. همچنین روایی محتوای پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصین (خبرگان اجرایی و دانشگاهی مرتبط در حوزه های صندوق های بازنشستگی و صندوق های بیمه درمان) مورد تأیید قرار گرفت. روش بررسی پایایی پرسشنامه، روش موازی یا استفاده از آزمون های همتا بود. نتایج حاصل از محاسبه

عامل سطر i روی عامل ستون j کاملاً مؤثر است (تأثیر زیاد)،
 ۲: عامل سطر i روی عامل ستون j مؤثر است (تأثیر متوسط)،
 ۱: عامل سطر i روی عامل ستون j تأثیر ناچیزی دارد (تأثیر اندک، ۰: عامل سطر i روی عامل ستون j بی تأثیر است (بدون تأثیر) استفاده شد.

نتایج به دست آمده از پرسشنامه هایی که جمع آوری گردید، با هم جمع شده و در جدول وارد می گردد. بنابراین حداقل عددی که در هریک از خانه های این جدول قرار می گیرد، ۰ و حداکثر عددی که قرار می گیرد برابر با حاصل ضرب بالاترین عدد طیف یعنی عدد ۳ در تعداد افراد پاسخ دهنده به پرسشنامه خواهد بود.

مرحله سوم- طراحی ماتریس دستیابی: ماتریس دستیابی با تعیین روابط به صورت ۰ و ۱ از روی ماتریس به دست آمده در مرحله قبل و طی ۲ مرحله به دست می آید. در مرحله اول ابتدا یک مقیاس عددی واحد در نظر گرفته و اعداد جدول مرحله قبل با آن مقایسه می شود. در صورتی که عدد مربوطه در جدول از مقیاس بزرگتر باشد، در جدول جدید از عدد ۱ و در غیر این صورت از ۰ استفاده می شود. بولانوس و همکاران (۲۰۰۵) برای یافتن عدد مقیاس از فرمول زیر استفاده می کنند.

$$m = 2 \times n$$

m = عدد مقیاس؛ n = تعداد پرسشنامه های جمع آوری شده

برای پژوهش حاضر عدد مقیاس، ۲۸ به دست آمد.
 $m = 2 * 14 = 28$
 در مرحله دوم، ماتریس به دست آمده در مرحله اول با ماتریس واحد جمع می شود.

$$RM = M + I$$

RM = ماتریس دستیابی
 M = ماتریس بدست آمده در مرحله اول
 I = ماتریس واحد

$$M = \begin{cases} a_{ij} = 1 & \text{if } a_{ij} \geq m \\ a_{ij} = 0 & \text{if } a_{ij} < m \end{cases}$$

حاصل این محاسبات ماتریس دستیابی است.
 مرحله چهارم- تعیین سطح عوامل: برای تعیین سطح و اولویت عوامل، مجموعه دستیابی (reachability set) و مجموعه پیش نیاز (antecedent set) برای هر عامل تعیین می شود. مجموعه دستیابی هر عامل، شامل عواملی می شود که از این عامل تأثیر می پذیرند و مجموعه پیش نیاز شامل

عواملی می شود که بر این عامل تأثیر گذارند. این تأثیر و تأثیرها با استفاده از ماتریس دستیابی به دست می آید.

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش نیاز هر عامل، عناصر مشترک این ۲ مجموعه برای هر عامل شناسایی می شود. سپس نوبت به تعیین سطح عوامل می رسد. در اولین جدول، عاملی دارای بالاترین سطح می باشد که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین این عامل یا عوامل، آن ها را از جدول حذف نموده و با سایر عناصر باقیمانده، جدول بعدی تشکیل می شود. در جدول دوم نیز همانند جدول اول، متغیر سطح دوم مشخص می شود و این کار تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می یابد.

مرحله پنجم- ترسیم الگوی/ مدل مضامین: پس از تعیین سطح عوامل، می توان روابط آن ها با یکدیگر را در قالب یک مدل براساس اطلاعات به دست آمده ماتریس دستیابی، به نمایش درآورد (۲۱).

تحلیل میک مک: هدف در این نوع تحلیل، تشخیص و تحلیل قدرت هدایت و وابستگی متغیرهاست. در این تحلیل، متغیرها بر اساس قدرت هدایت که از طریق جمع ضرایب یک عوامل در سطر به دست می آید و درجه وابستگی که به وسیله جمع ضرایب یک عامل در ستون مشخص می شود به ۴ دسته تقسیم می گردند. دسته اول متغیرهای خودمختار هستند. عوامل این دسته عواملی هستند که هم قدرت هدایتی (عامل تقویت کننده عقلایی در سایر عوامل) کمی دارند و هم وابستگی آن به سایر عوامل کم است. دسته دوم نیز متغیرهای وابسته هستند که قدرت هدایتی کمی بر سایر متغیرها دارد اما وابستگی آن به سایر عوامل زیاد است. عوامل دسته سوم یعنی متغیرهای پیوندی، هدایت گر سایر عواملند و هم وابسته به آن ها؛ بنابراین تغییر در آن ها کل سیستم را متأثر خواهد نمود و چهارمین دسته "متغیرهای مستقل" می باشد که دارای قدرت هدایت قوی ولی وابستگی ضعیف می باشند (۲۲). داده های این مرحله از تحقیق نیز توسط همان پرسشنامه ی استفاده شده در روش مدلسازی ساختاری- تفسیری و بر اساس امتیازات داده شده توسط خبرگان بر میزان اثرگذاری هر عامل بر سایر عوامل مدیریتی مؤثر بر مقررات گذاری و نظارت صندوق های بیمه اجتماعی کشور، به دست آمد.

ضمناً این مطالعه در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۵ با شماره

۸۱۷/۷۰۲۳۹ در دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی تهران مورد تأیید قرار گرفته است. عوامل مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور در بخش سلامت به صورت جدول ۱ به دست

یافته ها

مراحل و گام های مدل سازی ساختاری- تفسیری

مرحله نخست- تعیین ابعاد/ عناصر

جدول ۱: مضامین مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی کشور

ردیف	گزاره متنی	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	منبع
۱	تغییر و تحول مداوم در سطوح مدیریتی نظام بهداشت و درمان و سازمان های متولی بیمه درمانی و منسجم نبودن روش های تصمیم گیری موجب بی نتیجه ماندن فعالیت ها می شود.	تغییر و تحول مداوم در سطوح مدیریتی- عدم انسجام در روش های تصمیم گیری	عدم ثبات مدیریتی	(۲۳، ۲۴)
۲	مشخص نیست که رویکرد نهایی دولت بر بخش بیمه همگانی یا حمایت های اجتماعی متمرکز است و این وضعیت باعث شده که سازمان های بیمه در کشور هر یک رویکرد خاص خود را داشته باشند.	رویکرد دولت بر بخش بیمه همگانی- تمرکز دولت بر حمایت های اجتماعی- رویکرد خاص در سازمان های بیمه	عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی	(۲۵)
۳	سازمان جهانی بهداشت، ایجاد صندوق های متعدد بیمه ای را از شاخص های گسیختگی در سازماندهی صندوق ها می داند که در داخل سازمان های بیمه ای ایران نیز گسیختگی صندوق ها وجود دارد.	صندوق های متعدد بیمه ای- شاخص گسیختگی- سازمان های بیمه ای ایران	تعدد صندوق های بیمه ای- گسیختگی در سازماندهی صندوق ها	(۲۶)
۴	تعدد قوانین و مقررات غیر جامع، موردی و کوتاه مدت که بیش از هر چیزی از فقر تئوریک رنج می برد موجب گردیده است که قوانین از جامعیت کافی برخوردار نباشد و به سمتی حرکت کند که بیشتر مسئولیت های مالی و اجتماعی را متوجه مصرف کنندگان سازد.	تعدد قوانین و مقررات غیر جامع- عدم جامعیت قوانین- بار مالی برای مصرف کنندگان	ضعف مقام تنظیم گری- عدم جامعیت قوانین و مقررات	(۲۶)
۵	نقصان وجود نهاد تنظیم گر در بخش بهداشت و درمان کاملاً شفاف و ملموس است.	نهاد تنظیم گر در بخش بهداشت و درمان	ضعف مقام تنظیم گری	(۲۷)
۶	در بخش سلامت، نظام تصمیم گیری متمرکز و جوابگوی نیازهای محلی و منطقه ای نمی باشد. نظام ارائه خدمات یکپارچه و مبتنی بر نیاز جامعه نیست. وجود فعالیت های موازی و فقدان نظام هماهنگ اطلاعات جامع بیمه شدگان از اطلاعات قابل تأمل این بخش است.	تصمیم گیری غیر متمرکز- فعالیت های موازی- فقدان نظام هماهنگ اطلاعات	گسیختگی در سازماندهی صندوق ها	(۵، ۲۵)
۷	در بخش تأمین منابع مالی به وضوح عدم کفایت منابع ملموس است. پراکندگی اعتبارات تخصیص داده شده علناً اجازه فعالیت سازمان های بیمه را به عنوان عامل مؤثر در کیفیت خدمات مختل کرده است.	پراکندگی اعتبارات- عدم کفایت منابع	ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی	(۲۶، ۲۷)
۸	مکانیسم پرداخت به ارائه دهندگان خدمات و به طور کلی هزینه بخش بهداشت تأثیر فراوانی بر عملکرد آن دارد و این بخش نیازمند یک الگوی مناسب پرداخت می باشد تا کارایی، کیفیت و دسترسی به خدمات را به طور مستقیم متأثر نماید.	مکانیسم پرداخت- هزینه بخش بهداشت- الگوی مناسب پرداخت	ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی	(۵)
۹	یکی از موارد تعیین کننده در ارائه مناسب خدمات، تعرفه خدمات است. بدون داشتن نظام تعرفه گذاری مناسب، خدمات به صورت	اهمیت تعرفه خدمات- نظام تعرفه گذاری نامناسب- ناهماهنگی شورای	ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای	(۲۳)

کشور	عالی بیمه و نظام پزشکی	نامناسب ارائه خواهد گردید. از جمله مشکلات، تفاوت تعرفه ها در بخش دولتی و خصوصی است. تعرفه بخش دولتی را شورای عالی بیمه و تعرفه بخش خصوصی را نظام پزشکی تعیین می کند.
(۲۸)	پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی	حجم بالای مشاغل غیر رسمی از کل شاغلان در کشور یکی از عوامل دخیل در وضعیت صندوق های بازنشستگی است. میزان عدم پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی در ایران حدود ۶۰ درصد است که با توجه به اشتغال حدود ۸ میلیون نفر در مشاغل غیر رسمی می تواند تأثیر بسیار زیادی بر آینده صندوق ها داشته باشد.
(۲۸)	گسیختگی در سازماندهی صندوق ها	نبود سیاستگذار واحد و نهاد ناظر بر بیمه های اجتماعی یکی از عوامل بحرانی شدن صندوق ها است. در بیمه های تجاری بیمه مرکزی ایران این نقش را بر عهده دارد و در بیمه های اجتماعی که بخش وسیع تری از جامعه را تحت پوشش قرار می دهند، تقریباً نظارتی وجود ندارد.
(۲۸)	ضعف سیاستگذاری در مدیریت منابع مالی	یکی از عوامل بحران را در حوزه بیمه های بازنشستگی پایین بودن سطح دستمزدها در ایران است. پایین بودن دستمزد، کفایت برنامه های تأمین اجتماعی در دوران بازنشستگی را نیز به چالش می کشاند. این موضوع باعث می شود تا در بلندمدت شکاف بین دستمزد و خط فقر افزایش یابد و دولت ناگزیر به افزایش حقوق بازنشستگان برای جبران قدرت خرید آن ها شود. این موضوع به طور مداوم بر حجم بدهی های دولت به سازمان تأمین اجتماعی می افزاید و برای صندوق ها نیز چالش هایی ایجاد می کند.
(۲۹،۳۰)	تأمین منابع مالی- اصلاح نظام مبادله و نرخ گذاری-تأمین پوشش مدیریت منابع مالی کشوری	تأمین منابع مالی کافی، تأمین پوشش کشوری خدمات بهداشتی و درمانی، اصلاح کارایی ها و برقراری شرایط و انگیزه لازم برای گسترش خدمات در بخش های دولتی و خصوصی، ارتقای سطح بهره مندی از خدمات، تسهیل در دسترسی به خدمات و گسترش عدالت در بخش بهداشت و درمان و اصلاح نظام مبادله و نرخ گذاری از نگرانی های دولت در بخش بهداشت و درمان می باشد.
(۲۸)	عدم جامعیت قوانین و مقررات	قانون مربوط به مشاغل سخت و زیان آور- کارگاه ها و صنایع واجد شرایط سخت و زیان آور- تعدیل و اصلاح شرایط زیان آور کار
(۲۴)	گسیختگی در سازماندهی صندوق ها- تعدد صندوق های بیمه ای	چندپارگی صندوق ها ممکن است باعث شود که گروه هایی از جامعه به خصوص اقشار کم درآمد، در برابر خطر مالی ناشی از بیماری کمتر محافظت شوند، زیرا صندوق این افراد درآمد کمتری داشته و بسته خدمتی آن هم محدودتر خواهد بود. صندوق های بیمه ای در ایران حالت گسیخته دارند، چون دولت می خواسته پوشش بیمه ای را به صورت تدریجی و با پوشش گروه های مختلف جمعیتی گسترش دهد.

حاصل محاسبات ماتریس دستیابی در جدول ۳ نشان داده شده است.

مرحله چهارم- تعیین سطح عوامل
پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش نیاز هر عامل، نوبت به تعیین سطح عوامل می رسد که در ۴ سطح استخراج گردید و طی جداول ۴ تا ۷ تبیین شده است. طبق یافته های جدول ۴، تنها در ۳ عامل هفتم، هشتم و نهم یعنی ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی؛ ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور و پوشش بیمه ای مشاغل غیررسمی مجموعه دستیابی و مشترک به طور کامل یکسان هستند؛ یعنی این عوامل است که در مدل نهایی بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل و کمترین تأثیرگذاری را بر آنها دارند و به همین خاطر، بالاترین سطح مدل را به خود اختصاص می دهد. با حذف عامل هفتم، هشتم و نهم، جدول ۵ نیز سطح دوم عوامل را نشان می دهد.

همانطور که مشاهده می شود، مضامین سازمان دهنده عوامل مدیریتی مشتمل بر مفاهیم زیر است که مدل سازی براساس آنها صورت می گیرد. به عبارت دیگر ابعاد و عناصر این تحقیق عبارتند از: ۱- عدم ثبات مدیریتی؛ ۲- عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی؛ ۳- تعدد صندوق های بیمه ای؛ ۴- گسیختگی در سازماندهی صندوق ها؛ ۵- عدم جامعیت قوانین و مقررات؛ ۶- ضعف مقام تنظیم گری؛ ۷- ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی؛ ۸- ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور؛ ۹- پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی.

مرحله دوم- به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

نتایج به دست آمده از پرسشنامه ها، با هم جمع شده و اعداد به دست آمده در جدول ۲ آمده است. در هر یک از خانه های این جدول اعدادی بین ۰ تا ۴۲ قرار گرفت. مرحله سوم- طراحی ماتریس دستیابی

جدول ۲: ماتریس خود تعاملی ساختاری مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱		۳۲	۱۵	۴۰	۳۱	۳۰	۳۹	۹	۳۳
۲	۲۱		۳۵	۳۷	۳۶	۲۵	۳۲	۳۹	۳۶
۳	۴۰	۲۴		۳۸	۲۲	۳۴	۲۸	۴۱	۱۶
۴	۳۸	۳۵	۳۰		۳۹	۴۱	۳۵	۱۵	۲۲
۵	۳۴	۳۷	۱۹	۲۲		۳۸	۳۰	۲۹	۳۶
۶	۳۵	۱۶	۳۸	۳۴	۳۶		۳۳	۳۹	۲۵
۷	۲۶	۳۸	۲۰	۲۴	۱۸	۳۷		۱۸	۳۸
۸	۲۲	۳۴	۳۸	۲۱	۳۴	۱۴	۱۹		۳۷
۹	۲۴	۳۹	۲۲	۲۶	۴۱	۱۹	۳۰	۳۷	

جدول ۳: ماتریس دستیابی مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	قدرت نفوذ
۱		۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۶
۲	۰		۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۶
۳	۱	۰		۱	۰	۱	۱	۰	۰	۵
۴	۱	۱	۱		۱	۱	۰	۰	۰	۶
۵	۱	۰	۰	۱		۱	۱	۱	۰	۶
۶	۱	۱	۱	۱	۱		۱	۰	۰	۶
۷	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۳
۸	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۴
۹	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۴
وابستگی	۴	۶	۴	۴	۶	۵	۷	۵	۵	

جدول ۴: تعیین سطح عوامل (سطح اول)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۱	۹,۷,۶,۵,۴,۲	۶,۵,۴,۳	۶,۵,۴	-
۲	۹,۸,۷,۵,۴,۳	۹,۸,۷,۵,۴,۱	۹,۸,۷,۵,۴	-
۳	۸,۷,۶,۴,۱	۸,۶,۴,۲	۸,۶,۴	-
۴	۷,۶,۵,۳,۲,۱	۶,۳,۲,۱	۶,۳,۲,۱	-
۵	۹,۸,۷,۶,۲,۱	۹,۸,۶,۴,۲,۱	۹,۸,۶,۲,۱	-
۶	۸,۷,۵,۴,۳,۱	۷,۵,۴,۳,۱	۷,۵,۴,۳,۱	-
۷	۹,۶,۲	۹,۶,۵,۴,۳,۲,۱	۹,۶,۲	اول
۸	۹,۵,۳,۲	۹,۶,۵,۳,۲	۹,۵,۳,۲	اول
۹	۸,۷,۵,۲	۸,۷,۵,۲,۱	۸,۷,۵,۲	اول

باتوجه به جدول ۵، عامل پنجم و ششم (عدم جامعیت قوانین و مقررات و ضعف مقام تنظیم گری) نیز در سطح دوم مدل قرار می گیرد. با حذف عوامل سطح دوم در جدول ۶، عوامل سطح سوم نشان داده می شوند.

جدول ۵: تعیین سطح عوامل (سطح دوم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۱	۶,۵,۴,۲	۶,۵,۴,۳	۶,۵,۴	-
۲	۵,۴,۳	۵,۴,۱	۵,۴	-
۳	۶,۴,۱	۶,۴,۲	۶,۴	-
۴	۶,۵,۳,۲,۱	۶,۳,۲,۱	۶,۳,۲,۱	-
۵	۶,۲,۱	۶,۴,۲,۱	۶,۲,۱	دوم
۶	۵,۴,۳,۱	۵,۴,۳,۱	۵,۴,۳,۱	دوم

جدول ۶: تعیین سطح عوامل (سطح سوم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۱	۴,۲	۴,۳	۴	-
۲	۴,۳	۴,۱	۴	-
۳	۴,۱	۴,۲	۴	-
۴	۳,۲,۱	۳,۲,۱	۳,۲,۱	سوم

جدول ۷: تعیین سطح عوامل (سطح چهارم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۱	۲	۳	-	چهارم
۲	۳	۱	-	چهارم
۳	۱	۲	-	چهارم

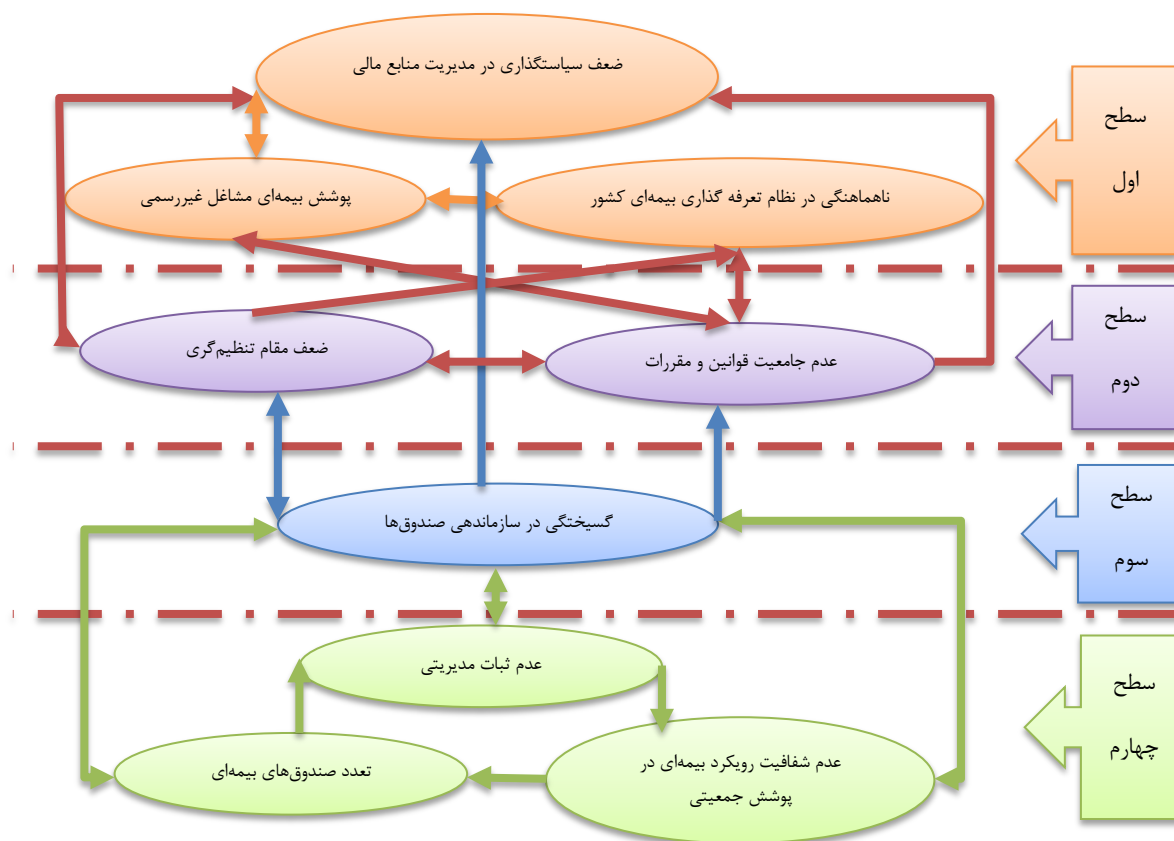
طبق یافته های جدول ۷، عاملی یافت نمی شود که عوامل مشترک با عوامل دستیابی آن ها باشد. لذا تمامی عوامل فوق یعنی ۳,۲,۱ در سطح چهارم قرار می گیرند.

مرحله پنجم- ترسیم الگوی مدل مضامین بر اساس جداول تعیین سطح، ۳ عامل هفتم، هشتم و نهم یعنی «ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی»؛ «ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور» و

می نمایند. سطح سوم شامل مولفه های «گسیختگی در سازماندهی صندوق ها» بود که در حقیقت عامل واسطه بین عوامل بسترساز و پایه در سطح چهارم و عوامل بنیادین سطح دوم قرار می گیرد. در سطح چهارم عوامل «عدم ثبات مدیریتی»؛ «عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی»؛ و «تعدد صندوق های بیمه ای» به عنوان عوامل بسترساز و پایه ای مطرح بودند.

«پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی» در سطح اول یعنی در بالای مدل قرار گرفتند و سایر عوامل پایین تر از آنها بودند. البته بر اساس جدول ۴ این ۳ با یکدیگر روابط متقابل نیز دارند و بر هم اثرگذارند.

در سطح دوم، عوامل «عدم جامعیت قوانین و مقررات» و «ضعف مقام تنظیم گری» قرار گرفتند که در واقع به عنوان عوامل تعیین کننده و تقویت کننده عوامل سطح اول عمل



شکل ۱: الگوی/ مدل مضامین

دسته متغیرهای خودمختار قرار گرفتند. همچنین محاسبات نشان داد که عامل شماره ۷ یعنی ضعف سیاستگذاری در مدیریت منابع مالی در دسته متغیرهای وابسته و عوامل ۲ و ۵ که مربوط به عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی و عدم جامعیت قوانین و مقررات بود، در گروه متغیرهای پیوندی قرار گرفتند. چهارمین دسته نیز متغیرهای مستقل بودند که شامل عوامل شماره ۱، ۴ و ۶ یعنی عدم ثبات مدیریتی، گسیختگی در سازماندهی صندوق ها و ضعف مقام تنظیم گری بود.

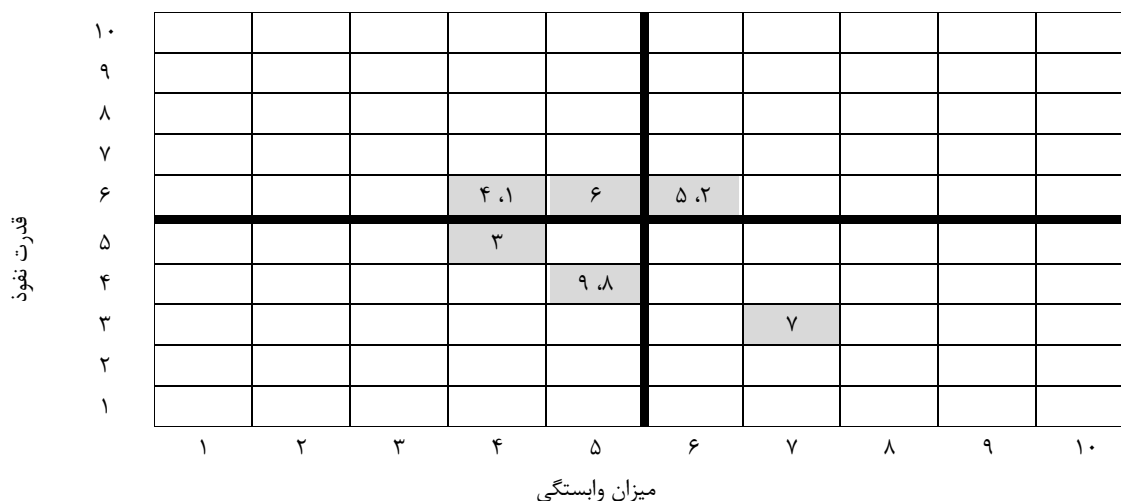
مرحله تحلیل میک مک

قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از عوامل مدیریتی مؤثر بر مقررات گذاری و نظارت صندوق های بیمه اجتماعی کشور که از پرسشنامه های دریافتی تعیین گردید در جدول ۸ بیان شده است.

بر این مبنا، ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی طبق شکل ۲ به دست آمد. براساس این ماتریس، عوامل ۳، ۸ و ۹ یعنی تعدد صندوق های بیمه ای، ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور و پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی، در

جدول ۸: تحلیل میک مک

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
قدرت نفوذ	۶	۶	۵	۶	۶	۶	۳	۴	۴
میزان وابستگی	۴	۶	۴	۴	۶	۵	۷	۵	۵



شکل ۲: ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی عوامل

بحث

است با یافته های این بخش از پژوهش همخوانی دارد (۳۳). در واقع مسیر اصلاح تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی باید رویکرد نتیجه گرا داشته باشد.

قرار گرفتن عامل «پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی» در بین متغیرهای اصلی شبکه مضامین چالش های تنظیم گری و ورود آن به سطح اول مدل پژوهش را با توجه به مطالعات صورت گرفته می توان علاوه بر اثر مقررات گذاری در پوشش بیمه ای، گواهی بر ضرورت تسریع در شکل گیری شبکه جامع و ملی اطلاعات در کشور دانست. زیرا همانگونه که در مطالعه ابراهیمی پور (۱۳۸۶) در بین ۶ کشور منتخب (جمهوری کره، تایلند، سنگاپور، آلمان، ژاپن و استرالیا) و با هدف طراحی الگوی برای پوشش همگانی بیمه ای درمان ایران و دسترسی مردم به خدمات اساسی سلامت از طریق بیمه نیز تبیین شده است (۳۴)، اطلاعات جمعیتی از بخش های مهم و مورد نیاز سیاست گذاران است که می تواند در هدف گذاری و ارزیابی اثربخشی سیاست ها مورد استفاده قرار گیرد.

سطح دوم شبکه مضامین چالش های تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی اشاره به مقوله «عدم جامعیت

با توجه به یافته های پژوهش، قرار گرفتن ۳ مضمون «ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی»، «ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور» و «پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی» در سطح اول مدل حاصل از پژوهش، نشان داد که سیاست ها و برنامه های تنظیم گری در صندوق های بیمه اجتماعی جهت تقویت توان حمایت درمانی بایستی بر مبنای کارکردهای اصلی نظام سلامت شکل گیرد که این موضوع با تأکید سازمان جهانی بهداشت به سنجش کارکردها بر اهداف نظام سلامت نیز همخوانی دارد (۳۱). کارکردهای اصلی نظام سلامت شامل تولید، تأمین منابع مالی، ارائه خدمات سلامت و تولید منابع است (۳۲) که ۳ کارکرد نخست در مضامین سطح اول مدل نمود پیدا کرده اند. نتایج پژوهش جباری و بخشیان (۱۳۸۶) در بین ۱۰ کشور (فرانسه، انگلستان، سوئد، ترکیه، شیلی، مکزیک، فلیپین، تایلند، زامبیا و غنا) دارای تجارب تمرکززدایی در ۴۰ سال اخیر و با هدف استخراج الگوی پیشنهادی برای ایران، مبنی بر اینکه در حال حاضر نارسایی ها و ناکارآمدی نظام سلامت کشورمان در بخش درمان و کارکردهای تولید و تأمین مالی قابل توجه بوده

قوانین و مقررات» و «ضعف نهاد تنظیم گری» دارد. در واقع این سطح نشان داد برای رفع چالش های کلیدی دسته اول بایستی به اصلاح نهاد تنظیم گری و زیرساخت قوانین و مقررات پرداخت. مؤلفه های سطح دوم ذیل کارکرد تولید در نظام سلامت قرار می گیرند که این موضوع همراستا با تأکید سازمان جهانی بهداشت بر مسئولیت دولت در حوزه تأمین سلامت مردم است (۳۵).

شواهد نشان می دهد که کانون های برنامه ریزی در نظام بهداشت و درمان کشور دارای انسجام کافی نبوده و حتی در خود وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وجود نزدیک به ۱۰۰ شورا، کمیته و کمیسیون مرتبط با برنامه ریزی، مانع بزرگی بر سر راه تنظیم گری مؤثر و مطلوب در این حوزه است (۳۶). مطالعه جلیلی (۱۳۸۸) در بین کارشناسان و مدیران سازمان بازنشستگی کشوری تهران، در خصوص تأیید چالش مقررات گذاری و نظارت در بیمه های اجتماعی کشور ایران نیز با این نتیجه همخوانی دارد (۳۷). گزارش مرکز پژوهش های مجلس اسلامی نیز بیانگر عدم توازن در وضع برخی قوانین و مقررات حوزه بیمه های اجتماعی است. به طوریکه برخی موضوعات نیازمند قانون جدید هست و در پاره ای از بخش ها، قوانین زیادی وضع شده است. تورم قوانین و تناقض برخی قوانین این بخش با یکدیگر می تواند مسبب آسیب هایی نظیر سردرگمی مجریان، پایین آمدن ضریب امنیت، از دست رفتن اعتماد اجتماعی، پایین آمدن مشارکت اجتماعی و سست شدن انسجام اجتماعی گردد (۳۸). وجود نهاد تنظیم گری متمرکز در صندوق های بیمه اجتماعی می تواند از طریق ایفای نقش در مقررات گذاری و نظارت با بهبود کارکرد تولید در نظام سلامت بر اصلاح مکانیسم تأمین منابع مالی، پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی و نیز نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور مؤثر واقع گردد.

قرار گرفتن مضمون «گسیختگی در سازماندهی صندوق ها» در سطح سوم مدل نشان داد برای رفع چالش های سطح دوم یعنی ضعف نهاد تنظیم گری و نیز زیرساخت های قوانین و مقررات باید سازماندهی صندوق های بیمه اجتماعی را اصلاح نمود. در حال حاضر تمامی سازمان های بیمه در ایران به صورت مستقل از یکدیگر فعالیت دارند و سیستم ارزیابی یکپارچه ای ندارند. این مسأله باعث شد که شواری عالی بیمه سلامت در سطح

مرکزی تأسیس شود و سپس این شورا، زمینه را برای ایجاد وحدت رویه ی صندوق های بیمه تحت عنوان سازمان بیمه سلامت ایران فراهم آورد. اما از کل منابع مالی حوزه سلامت، تنها ۵/۶ درصد وارد چرخه انباشت می شود (۳۹). مطالعه خیاط زاده و همکاران (۲۰۱۶) بین مسئولین تدوین و اجرای طرح و برنامه های سلامت در استان کرمان و مطالعه ی رد (۲۰۰۹) در آفریقا، نیز همراستا با نتایج این بخش از پژوهش، نشان داده است که چالش عمده در تنظیم گری این حوزه مرتبط با تعهد به اجرای قوانین و سیاست ها و سازوکارها و روش اجرای این سیاست ها و برنامه ها است (۴۰،۴۱). مطالعه ی مصطفوی و رشیدیان (۱۳۹۶) با بررسی متون و مصاحبه با خبرگان نظام سلامت و مصاحبه های نیمه ساختار یافته با ۳۰ نفر از آن ها از سطوح خرد، میانه و کلان و با هدف بررسی نقش لابی گری و تضاد منافع در تصمیم گیری های نظام سلامت کشور نیز با این یافته از پژوهش همخوانی دارد و دلیل آن را چنین بیان می کند که رقابت میان سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه سلامت ایرانیان یا رقابت میان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برای دریافت بودجه بیشتر؛ باعث شکل گیری رفتارها و برخوردهای نابهنجار میان آن ها می گردد و موضوع تجمع بیمه ها به علت تعارض آشکار میان وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبدیل به موضوعی لاینحل شده که هیچ یک از وزارت خانه های پیشگفت، اقدامی مثبت برای حل این مشکل انجام نداده است (۴۲). در این مسأله که حاصل حمایت سیاسی پایین، تضاد منافع، نبود درک مشترک و واحد بین ذی نفعان در سطوح مختلف سیاست گذاری است، تنظیم گر می تواند با بر عهده گرفتن نقش نظارتی در رفع این چالش مؤثر باشد.

سطح چهارم شبکه مضامین در مدل استخراج شده، به عوامل و چالش های بستر ساز و یا زمینه ساز تنظیم گری در صندوق های بیمه اجتماعی اشاره دارد. این بدان معناست که اگر به این موارد پرداخته نشود، تأثیر سطح سوم کم رنگ خواهد شد. مضامین مستخرج در سطح چهارم شامل عدم ثبات مدیریتی، تعدد صندوق های بیمه ای و عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی می بایست مرتفع گردد تا با سازماندهی صندوق های بیمه اجتماعی

بتوان نهاد تنظیم گری و زیرساخت های قانونی و مقرراتی را در سطح دوم، اصلاح نمود.

یافته های حاصل از تحلیل میک مک نشان داد که تعدد صندوق های بیمه ای، ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور و پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی، در دسته متغیرهای خودمختار قرار گرفتند، لذا هم قدرت هدایتی (عامل تقویت کننده عقلایی در سایر عوامل) کمی دارند و هم وابستگی آن به سایر عوامل کم است که با مطالعه ابراهیمی پور (۱۳۸۶) در بین ۶ کشور منتخب، با هدف دسترسی مردم به خدمات اساسی سلامت از طریق بیمه (۳۴)، پژوهش مهرالحسنی و همکاران (۱۳۹۵) با هدف سیاست های تأمین مالی در مسیر دستیابی به پوشش همگانی سلامت در ایران (۱۵) و دهنویه (۱۳۸۷) مبنی بر استفاده از مکانیسم های مناسب تأمین مالی، پرداخت و به همراه آن نظارت مناسب (۲۳)، همخوانی دارد.

همچنین ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی در دسته متغیرهای وابسته قرار گرفت و بیانگر این است که این متغیر بیشتر از آنکه یک مؤلفه ی هدایتگر در میان سایر عوامل مدیریتی باشد، عاملی دارای وابستگی و اثرپذیری از سایر عوامل است که با تأکید سازمان جهانی بهداشت به سنجش کارکرد تأمین منابع مالی بر اهداف نظام سلامت (۳۱) و همچنین مطالعه دهنویه (۱۳۸۷) نیز همخوانی دارد (۲۳).

یافته های میک مک همچنین نشان داد که عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی و عدم جامعیت قوانین و مقررات در گروه متغیرهای پیوندی قرار می گیرند که هم هدایت گر سایر عوامل و هم وابسته به آنها هستند که این موضوع نیز همراستا با تأکید سازمان جهانی بهداشت بر مسئولیت دولت در حوزه تأمین سلامت مردم است (۳۵) و سرانجام عوامل عدم ثبات مدیریتی، گسیختگی در سازماندهی صندوق ها و ضعف مقام تنظیم گری در چهارمین دسته متغیرها به عنوان متغیرهای مستقل قرار گرفتند که دارای وابستگی ضعیفی نسبت به سایر عوامل هستند اما در فرآیند اثرگذاری، از قدرت نفوذ بالایی برخوردارند که با مطالعه جلیلی (۱۳۸۸) در بین کارشناسان و مدیران سازمان بازنشستگی کشوری تهران مطابقت دارد (۳۷).

از محدودیت های مطالعه حاضر کمبود مطالعات علمی

پیشین در زمینه تنظیم گری و نیز دسترسی مشکل به برخی خبرگان به دلیل تصدی مسئولیت های عالی بود. این تحقیق، از حیث شناسایی کامل عوامل مدیریتی مؤثر در مقررات گذاری و نظارت صندوق های بیمه اجتماعی و طراحی مدل تعاملی دارای نوآوری و قوت بوده و می تواند خلاءهای موجود در ادبیات پیشین را پوشش دهد. نوع روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش نیز از نقاط قوت آن به شمار می رود. آمیخته شدن تکنیک های کیفی و کمی در این مطالعه، ضمن افزایش دقت نتایج، سبب شده است یافته ها مبتنی بر مسائل بومی و جاری ایران استخراج شده و قابلیت بهره گیری در تصمیمات کلان حوزه تأمین اجتماعی کشور را داشته باشد.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش حاضر، این نتیجه به دست آمد که ۹ مؤلفه به عنوان عوامل مدیریتی مؤثر بر تنظیم گری صندوق های بیمه اجتماعی وجود دارند. این مؤلفه ها در الگوی شبکه مضامین به دست آمده از روش مدلسازی ساختاری-تفسیری، در ۴ سطح قرار گرفتند که در آن عوامل «ضعف سیاست گذاری در مدیریت منابع مالی»، «ناهماهنگی در نظام تعرفه گذاری بیمه ای کشور» و «پوشش بیمه ای مشاغل غیر رسمی» در سطح اول، عوامل «عدم جامعیت قوانین و مقررات» و «ضعف مقام تنظیم گری» در سطح دوم، عامل «گسیختگی در سازماندهی صندوق ها» در سطح سوم و در نهایت عوامل «عدم ثبات مدیریتی»، «عدم شفافیت رویکرد بیمه ای در پوشش جمعیتی» و «تعدد صندوق های بیمه ای» در سطح چهارم الگو قرار گرفتند. با توجه به مطالعات گروه تحقیق و نتایج و یافته های حاصل از بررسی نظرات خبرگان، جهت رفع موانع تنظیم گری در صندوق های بیمه اجتماعی و تسریع در اصلاح روند سیاست گذاری و خط مشی گذاری در این صندوق ها پیشنهاد می گردد، نهاد ناظر تنظیم گری به صورت واحد و مستقل در کشور ایجاد گردد تا با اصلاح ساختار مقررات گذاری و نظارت، بتواند با رویکردی جامع، بی طرف و تخصصی، متولی رفع چالش های کلیدی در لایه های ۴ گانه ی احصا شده در مدل حاصل از این پژوهش شود.

سیاسگذاری

نویسندگان، بر خود لازم می دانند بدینوسیله از

سازمان حمایت کننده

این مقاله برگرفته از پایان نامه مقطع دکتری رشته مدیریت مالی می باشد که از سوی دانشگاه علامه طباطبائی مورد حمایت قرار گرفته است.

تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

همکاری گروه مالی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی تشکر و قدردانی نمایند.

مشارکت نویسندگان

طراحی پژوهش: م. ه. ب. م. ع. د. د. م. ج. م

جمع آوری داده ها: س. م. ع

تحلیل داده ها: س. م. ع. ح. الف

نگارش و اصلاح مقاله: س. م. ع

References

- 1) Amiri M, Mahmoudi V, Raghfar H, Parvandi Y. Theoretical-Adaptive Surveys of Social Security Systems: Routing Development of the Three-Layer Social Security System of Iran. Public Policy Journal 2017; 2(4): 9- 28. [Persian]
- 2) Manochehri Rad R. Formulating the institutionalization policy in the area of regulating social insurance organizations. Congresses of retirement funds of bottlenecks and solutions; Tehran: Social Security Organization Research Institute; 2016: 68-137. [Persian]
- 3) Akhavan Bebahani A. Examine the status of the social security organization and the necessity of fundamental reforms in it (causes and immediate action required). Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of IRAN: Iran, Tehran. 2018: 10-43. [Persian]
- 4) Social Security Organization. Structure, duties, obligations and support of the Social Security Organization. Available from URL: <https://tamin.ir/News/item/2018>. Last Access: Jan 27, 2019. [Persian]
- 5) Khalegh Nejad A, Rezaee Ghale H, Karimi M, Maleki MR. The Position of Health Insurance in Social Security system. 1st ed. Social Security Research Institute: Iran, Tehran. 2001: 9- 11. [Persian]
- 6) Hassanzade A. Recognition and Analysis of Fifty-Years of Social Security in the Territory of Health Insurance. Social Security Journal 2003 ; (15). [Persian]
- 7) Walley T, Haycox A, Boland A. Pharmacoeconomics. 1st ed. Edinburgh, New York: Churchill Livingstone; 2004: 2-11.
- 8) Zare H. Basic Health Insurance: Principles, Structure, Coverage and Regulation. Tehran: Medical Services Insurance Organization Press; 2006: 37-45. [Persian]
- 9) Taleb M. Social Security. Mashhad: Astan e Ghods Publishers; 1991: 37-46. [Persian]
- 10) Wise DA, Yashiro N. Health Care Issues in the United States and Japan (National Bureau of Economic Research Conference Report). 1st ed. USA: University of Chicago Press; 2006.
- 11) Emamian MS, Zolfaghari AA, Mohammadzadeh E, Zamanian M. National system of regulation 1. The concept of regulation and its relation to the governance system. Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic Of IRAN: Iran, Tehran. 2018: 14-37. [Persian]
- 12) Hadifar D. Regulatory legal entities; Structure and executive mechanism. Tehran: New Etrat Press; 2010: 225-41. [Persian]
- 13) Zarei MH, Shams E. Income on the concepts and theories of economic regulation. Journal of Legal Research 2013; (62): 163- 234. [Persian]
- 14) Yazdan-Panah A. Study of how to supervise insurance companies in several countries (Case Study of the United Kingdom). Insurance Research Institute: Iran, Tehran. 2005: 34-52. [Persian]
- 15) Mehrolhassani MH, Najafi B, Yazdi Feyzabadi V, Abolhallaje M, Ramezani M, Dehnavieh R, et al. A Review of the Health Financing Policies towards Universal Health Coverage in Iran. Irje 2017; 12(5): 74-84. [Persian]
- 16) Esmaeiliyan M, Nazemi A. Provides a template for the new audiovisual media outlet regulator based on the steady-state decision-making method. Journal of Strategic Studies in Public Policy 2018; 8(26): 119-36. [Persian]
- 17) Khan Mohammadi H, Aslipour H. The design of the themes of the general policy of the family system based on the method of structural modeling. Cultural Women and Family Journal 2017; 12(39): 107- 40. [Persian]
- 18) Guba EG, Lincolne YS. Epistemological and Methodological Bases of Naturdistic Inquiry. Educational Communication and Technology 1982; 30(4): 233-52.
- 19) Latifi M, Abdolhosseinzadeh M, Azarfar A. The Design of Succession Planning Model in Public Sector Organizations with Interpretive Structural Modelling (ISM). Quarterly Journal of Public Administration 2016; 4(4): 33- 50. [Persian]
- 20) Aliakbari E, Akbari M. Structural Modeling of Factors Affecting the Livability of Tehran Metropolis. The Journal of Spatial Planning 2017; 21(1): 1-31. [Persian]
- 21) Bolanos R, Emilio F, Alfredo N, Pablo P.

- Using interpretive structural modelling in strategic decision-making groups. *Management Decision* 2005; 43(6): 877-95. Doi: <https://doi.org/10.1108/00251740510603619>.
- 22) Yavari V. Designing a Conceptual Model for Organizational Performance Management for the Endowment and Charity Organization [Ph.D. Thesis]. Allameh Tabataba'ei University; 2012. [Persian]
 - 23) Dehnavieh R. Design model of basis Health Insurance Package for IRAN [Ph.D. Thesis]. Iran University of Medical Sciences, School of Management and Medical Information Science; 2007. [Persian]
 - 24) Maleki M, Ebrahimipour H, Karimi I, Gohari M. The Challenges of Sustainable Universal Insurance in Iran. *Journal of Control* 2010; 9(2): 187-73. [Persian]
 - 25) Zare H, Goodarzi A. Organization and management of providers of health care packages (Part I, comparative studies). *Social Security Quarterly* 2007; 28: 135-78. [Persian]
 - 26) Moghadasi H, Hosseini A, Asadi F, Esmaeili M. Problems of Health Insurance Systems and the Need for Implementation of a Reform Approach. *Jha* 2011; 14(44): 71-80. [Persian]
 - 27) Zare H, Masoudi Asl Y, Akhavan Behbahani A. Social Health Insurance in the World and Iran (Proposed Model). Iran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly of Iran Press; 2010: 516-49. [Persian]
 - 28) Omid R, Khorshidi M. Social insurance, the necessity of inclusive development (Familiarity with Social Security Organization; Challenges and Solutions). Social Security Organization Research Institute: Iran. 2016. [Persian]
 - 29) Mohammadzadeh Y. The nature and importance of socio-economic inequalities in the health sector of Iran [Ph.D. Thesis]. Tarbiat Modarres University; 2013. [Persian]
 - 30) Rasoulia M. Financing Strategies in Health Insurance Plan in Iran. *Journal of Strategic Management Research* 2016; 22(62): 135-53. [Persian]
 - 31) Smith PC. Measuring health system performance. *The European Journal of Health Economics* 2002; 3(3): 145- 8. doi: <https://doi.org/10.1007/s10198-002-0138-1>.
 - 32) World Health Organization. The world health report 2000: health systems: Improving performance. WHO: Switzerland, Geneva. 2000: 1.
 - 33) Jabbari H, Bakhshiyar F. Decentralization in Function of Stewardship of Health Systems in Different countries and Propose Appropriate Model for IRAN. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences* 2007; 29(1): 7-8. [Persian]
 - 34) Ebrahimipour H. Design Model for Public Health Insurance [Ph.D. Thesis]. Iran University of Medical Sciences, School of Management Medical Information Science; 2007. [Persian]
 - 35) Zare H, Yazdani N, Azadi M, Ahmad Pour MH, Kashf Ghorbanpoor R, Akbarian A, et al. Designing a model for private health insurance in Iran. *Teb VA Tazkiyeh* 2011; 20(1-2): 35-53. [Persian]
 - 36) Ministry of Health and Medical Education. Achievements, Challenges and Horizons of the Health System of the Islamic Republic of Iran. Ministry of Health and Medical Education Policy Council: Iran, Tehran. 2010. [Persian]
 - 37) Jalili T. Prioritizing the Factors Affecting the Facilitation of Multilayer System Implementation in the National Pension Fund [Master Thesis]. Allameh Tabataba'i University, School of Management and Accounting; 2009. [Persian]
 - 38) Akhavan Behbahani A, Khalili A. A look at the legislation on welfare and insurance (retirement and treatment) in the eight sessions of the Islamic Consultative Assembly (welfare and welfare committee), health insurance, social security, budget laws and programs. Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic Of IRAN: Iran, Tehran. 2015: 14-33. [Persian]
 - 39) Barati Marnani A, Teymourzadeh E, Bahadori MK, Ravangard R, Saeid Pour J. Challenges of a Large Health Insurance Organization in Iran: A Qualitative Study. *International Journal of Collaborative Research on Internal Medicine & Public Health* 2012; 4(6): 1050-62.
 - 40) Khayatizadeh-Mahani A, Sedoghi Z, Mehrolhassani MH, Yazdi-Feyzabadi V. How Health in All Policies are developed and implemented in a developing country? A case study of a HiAP initiative in Iran. *Health Promot Int* 2016; 31(4): 769-81. Doi: 10.1093/heapro/dav062.
 - 41) Ridde V. Policy Implementation in an African State: An Extension of Kingdon's Multiple-Streams Approach. *Public Administration* 2009; 87(4): 938-54. Doi: <https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.2009.01792.x>.
 - 42) Mostafavi H, Rashidian A. The Role of Lobbying and Conflict of Interests on the Iranian Health System Decision-making. *Hakim Health Sys Res* 2017; 20(1): 27- 34. [Persian]

Research Article

Modeling the Effective Management Factors in the Pattern of Regulation and Supervision of Social Insurance Funds of Iran

Mohammad Hashem Botshekan^{1*} , Mohammad Ali Dehghan Dehnavi² 
, Mohammad Javad Mohagheghnia² , Hosein Aslipour³ , Seyyed
Mohammad Abbasnia⁴ 

¹ Associate Professor, Department of Finance & Banking, School of Management & Accounting, Alame University, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Department of Finance & Banking, School of Management & Accounting, Alame University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Governmental Management, School of Management & Accounting, Alame University, Tehran, Iran

⁴ Ph.D. student of Financial Management, School of Management & Accounting, Alame University, Tehran, Iran

* **Corresponding Author:** Mohammad Hashem Botshekan
mh.botshekan@gmail.com

ABSTRACT

Citation: Botshekan MH, Dehghan Dehnavi MA, Mohagheghnia MJ, Aslipour H, Abbasnia SM. Modeling the Effective Management Factors in the Pattern of Regulation and Supervision of Social Insurance Funds of Iran. *Manage Strat Health Syst* 2019; 4(2): 97-113.

Received: May 08, 2019

Revised: July 09, 2019

Accepted: July 17, 2019

Funding: This study has been supported by Alame University.

Competing Interests: The authors have declared that no competing interest exist.

Background: To achieve the objectives of social security and health system, it is essential to enhance the level of efficiency of social insurance funds. To hit this target, the challenges of regulation improvement should be identified and addressed in these funds. Therefore, the present study aimed at identifying the key challenges of regulation and modeling the network of management and its effective factors.

Methods: This was a cross-sectional qualitative study. In the qualitative part, a systematic review and thematic analysis were conducted using MaxQDA₁₀ software. Qualitative data were collected by reviewing the relevant documents and related studies. In the quantitative part, the structural-interpretative modeling and Mick-Mac analysis methods were employed. The data were collected by referring to the 14 experts selected by targeted sampling method using a questionnaire.

Results: 9 factors were identified as the key challenges in regulation of social insurance funds, including 1) management inconsistency; 2) non-clear insurance approach in population coverage; 3) multiplicity of insurance funds; 4) failure to organize the funds; 5) lack of integrity of rules and regulations; 6) weakness of regulatory authority; 7) weak policy making in management of financial resources; 8) inconsistencies in the country's insurance tariff system; and 9) insurance cover for informal jobs. The content network was formed in a 4-level model by structural- interpretative modeling method.

Conclusion: Regulation challenges of the social insurance funds include a combination of factors showing the need for the formation of a unit regulator to organize these funds. The aim is to meet the key challenges in 4 layers of the proposed model and modify the regulatory and supervisory structure with a comprehensive, impartial, and specialized approach.

Keywords: Government's regulation, Retirement, Social insurance, Social economy factors